■ سال بیست و هشتم ■ شماره ۷۹۹۲ ■ سه شنبه ■ ۸ شهریور ۱۴۰۱

ایران

صاحب امتیاز:
خبرگزاری جمهوری اسلامی
سردبیر: کمیل نقی‌پور

تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی / نشانی: تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸
صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ / امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
چاپ: چاپخانه‌های همشهری
سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
تهران خیابان خرمشهر شماره ۱۶ / پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)
انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲
http://irannewspaper.ir

اذان ظهر ۱۳/۰۵ | اذان مغرب ۱۹/۵۳ | نیمه شب شرعی ۰۰/۲۱ | اذان صبح فردا ۵/۰۸ | طلوع آفتاب فردا ۶/۳۵

سخن روز

حضرت فاطمه زهرا(س):
هر کس عبادات و کارهای خود را خالصانه برای خدا انجام دهد، خداوند بهترین مصلحت‌ها و برکات خود را برای او تقدیر می‌نماید.
(بحارالانوار: ج۶۷، ص۲۴۹، ح۲۵)

جشنواره تئاتر «مقاومت» محلی برای بروز استعدادها و کشف چهره‌های جدید

کاظم نظری: جشنواره تئاتر «مقاومت» با پشتوانه‌ای بی‌سابقه و محلی برای بروز استعدادها و کشف چهره‌های جدید است. بسیار جای مسرت و خوشحالی است که این جشنواره با سابقه طولانی، محلی برای ظهور و کشف استعدادهایی بود که در ادوار قبلی در این جشنواره رشد پیدا کردند و اینک جزو چهره‌های مطرح و شناخته شده تئاتر کشور در عرصه‌های هنرهای نمایشی هستند.
حقیقتاً این جشنواره برای نظام مقدس جمهوری اسلامی و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و ما با همه امکانات خود پای کار این رویداد مهم فرهنگی هنری هستیم.
مسأله مقاومت نه تنها در ایران بلکه در خاورمیانه یک مسأله مهم و حیاتی است که مقام معظم رهبری بارها و بارها در بیانات خود به آن اشاره کرده‌اند. کشورهای همسایه برای تولید آثار هنری از کشور ایران انتظار دارند و این وظیفه ما را سنگین‌تر می‌کند.

بخشی از صحبت‌های مدیرکل هنرهای نمایشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در نشست با دبیرخانه هجدهمین جشنواره بین‌المللی تئاتر «مقاومت»

از نسیم سحر آموختم و شعله شمع
رسم شوریدگی و شیوه شیدایی را
صبح سرمی کشد از پشت درختان خورشید
تا تماشا کند این بزم تماشایی را

شهریار

نگاره

احمدرضا سهرابی

فرصت ها و تهدیدهای فضای مجازی

موسیقی، آیینه وجود

یادداشت

محسن نفر
نوازنده و آهنگساز

گفتیم درهنر، دروغ نیست. وجود ندارد. هنر، آیینه احساس، اندیشه، هیجان، بلکه وجود آدمی است. هنرمند با هنر، خود را به عرضه و عیان می‌گذارد! هر کس خودش، خودش است. هیچ‌کس، ناخودش نیست. هنر، «خود» آدمی را عیان می‌کند. «خود» که همان حقیقت وجود آدمی است، در هنر عیان می‌شود.«خود»، تنها ظاهر و جسم نیست. ظاهر، اتفاقاً سهم اندکی از «خود» دارد. ظاهر و جسم، تغییر می‌کنند! عوض می‌شوند. کهنه و مندرس می‌شوند. فرسوده و بیهوده می‌شوند. ولی «خود»، که حقیقت وجود آدمی و فراتر از ظاهر و باطن است، همچنان ثابت و مانا، می‌ماند. بعضی «خود» را به «روح» تعبیرمی‌کنند.

اگرچه تکامل و ورود به کمال، همه «خود» و عرصه‌های وجود آدمی ازظاهر و باطن و روح را در بر می‌گیرد و تکامل، حاصل تغییراست و هیچ چیز دراین عالم، از مظان تغییر دور نمی‌ماند ولی چیزی هست که تغییرمی کند و این هستن، همیشه ثابت است. وجود، همیشه ثابت است. هیچ‌گاه تغییر و تردید ندارد. تغییر وجود، لاوجود است و لاوجود، امکان ندارد. لاوجود، نابودی است و نابودی، امکان ندارد. فقط وضعیت تغییرمی کند نه اصلیت. اصل وجود به لاوجود تبدیل نمی‌شود ولی تغییر شکل و ماهیت و وضعیت می‌دهد و این نزد سبک بینان، حمل بر نابودی و لاوجود می‌شود. پس «خود» با تمام تغییراتش ثابت است. تغییر وضعیت می‌دهد ولی از وجود به لاوجود تبدیل نمی‌شود.! اما تغییر وضعیت گاهی شکل نیستی می‌گیرد! مثلاً آدمی هست ولی با مرگ نیست! این نیستی، مساوی با لاوجود نیست! با مرگ، آدمی به لاوجود تبدیل نمی‌شود! اینکه با مرگ، از هستی به نیستی تبدیل می‌شود، شامل جسم و ظاهر اوست نه روحش که حقیقت وجودش است! روح او، همان چیزی که به «خود» تعبیر می‌شود، همیشه هست و لاوجود نمی‌شود! بنابراین همین «خود» که هست و ناهست نمی‌شود، در هنر ظاهر و عیان می‌شود!

همه وجود آدمی با هنر به ظهور می‌رسد! و این«خود» خودش است نه ناخود! نه چیزی دیگر! پس دروغ نیست! «خود» همه حقیقت وجود است. غیر آن و دروغ نیست! همین «همه حقیقت»، درهنر به عرضه و ظهور می‌رسد. با شعر، در قالب کلمات. در نقاشی با طرح و رنگ. با معماری، در بنا و چیدمان. در مجسمه، با حجم و هیبت. در خط، با نقش قلم. در فیلم و تصویر، با یادآوری زمان و مکان، اما همه موارد فوق، با محوریت جسم و ماده صورت می‌گیرد! از طریق طرح و رنگ و نقش، بنا و حجم و تصویر و حرکت، احساس و معنا منتقل می‌شود. ولی در موسیقی همه چیز با سایر هنرها متفاوت است. در موسیقی احساس، بی‌واسطه منتقل می‌شود. در هنرهای دیگر بواسطه مواردی که گفته شد ولی در موسیقی، بی‌واسطه منتقل می‌شود. در موسیقی، خودِ احساس منتقل می‌شود. در هنرهای دیگر، احساس، بیان و منعکس می‌شود. ولی در موسیقی خودِ احساس منتقل می‌شود. راجع به احساس، حکایت و روایت و تقلیدی نیست. بلکه خودِ احساس هست و منتقل می‌شود! پس موسیقی ناب‌تر و خالص‌تر است.

در همه هنرها، «خودِ» هنرمند (وفرد)، ظاهر می‌شود و هیچ حقیقتی بالاتر از«خودِ» هر کس و چیز، نیست. اما بی واسطه.ولی در موسیقی «خودِ» هنرمند بی واسطه منتقل می‌شود. خودش که ظاهر و جسمش نیست و ادراک و احساسش از وجود است. این امر غیر مادی و ظاهری، که همان«خود» هنرمند است، در موسیقی، منتقل می‌شود و نه در اصل موضوع و نه در انتقال آن، دروغی وجود ندارد. این احساس که از هنرمند، به مخاطب منتقل می‌شود و «خود» و حقیقت وجود هنرمند است، حاوی همه ویژگی‌های روحی، شخصیتی، اخلاقی، اجتماعی، تاریخی، جغرافیایی، شخصی، تربیتی، هیجانی، عصبی، فکری واعتقادی اوست. بسته‌ای از وجودِ هنرمند است که در این انتقال، نزد مخاطب باز می‌شود و همه وجود او را عیان می‌کند. بازشدن این بسته و انتقال «خودِ» هنرمند به مخاطب، همه رازها و اسرار وجود او را برملا می‌کند. چیزی که حقیقت است و اصلاً دروغ در آن راه ندارد!

آیت‌الله مصطفوی مهم‌ترین ابن‌سیناشناس معاصر بود

سیده مریم سادات گوشه/ آیت‌الله سیدحسن سعادت مصطفوی اندیشمند، فیلسوف برجسته و فقیه عصر، یکشنبه ۶ شهریورماه پس از طی یک دوره تحمل بیماری دعوت حق را لبیک گفت و به ملکوت اعلا پیوست. او بعد از انقلاب از سال ۱۳۶۳ در دانشگاه‌های الهیات دانشگاه تهران، شهید بهشتی، تربیت مدرس تهران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات و دانشگاه امام صادق علیه السلام در رشته‌های فقه و اصول، کلام و فلسفه مشاء، متعالیه صدرایی و عرفان نظری تدریس کرد. گفتنی است ،مراسم تشییع این عالم ربانی امروز سه‌شنبه ۸ شهریورماه ساعت ۹ صبح از خیابان شهید باهنر، ضلع شمالی کاخ نیاوران، تکیه نیاوران به سمت امامزاده عبدالله شهرری برگزار می‌شود.

یادداشت

دکتر قاسم پورحسن
استاد فلسفه دانشگاه علامه طباطبایی

انا لله وانا الیه راجعون. درگذشت عالم‌ملکوتی آیت‌الله سید حسن مصطفوی را به علما،متفکران، استادان و شاگردان ایشان تسلیت و تعزیت عرض می‌کنم. آیت‌الله مصطفوی مهمترین ابن سینا شناس در دوره معاصر بود؛ فیلسوفی که در تعبیر عموم با عنوان فیلسوف مشاء مشهوراست، اما حقیقت این است که او متوغل در بنیان های حکمت مشرقی ابن سینا بود؛ زمانی که تصمیم گرفتم سه جلد «ابن سینا و خرد ایرانی» را که اکنون جلد اول آن به چاپ رسیده با هدف کند و کاو در سرچشمه‌های حکمت مشرقی تدوین کنم، بسیار مورد توجه ایشان قرار گرفت. بنابر این بی تردید بعد از مرحوم میرزا ابوالحسن جلوه، حضرت آیت‌الله مصطفوی مهم‌ترین فیلسوفی است که اندیشه و فلسفه ابن سینا را به طور دقیق خواند، تدریس کرد و شرح داد.ویژگی مهم اخلاقی ایشان در نحوه ارتباطش با شاگردان و حتی متفکران بود. این گونه نبود که چون ابن سینا شناس بود در حق ملاصدرا اجحاف کند. سال ۶۴ که افتخار شاگردی ایشان را داشتم، درس فلسفه اسلامی را با ایشان با شرح منظومه ملاهادی سبزواری آغاز کردم و یک دوره کامل ، ایشان برای ما حکمت صدرایی ، شرح منظومه و اشارات و شفا را تدریس کردند، اما در عین حال که اشارات و شفا را تدریس می‌کردند، مانند خود ابوالحسن جلوه، اسفار و شواهدالربوبیه را هم درس می‌دادند. در واقع همان تسلطی که در تدریس شفای ابن سینا داشتند، در تدریس اسفار ملاصدرا هم مشاهده می‌شد.بنابر این مسأله مهمی است که یک فیلسوف بتواند قدر زحمات گذشتگان را بداند؛ همان گونه که ابن سینا در پایان کتاب المباحثات شأن فارابی را بجا می‌آورد و جایگاهش را ستایش می‌کند.ویژگی دوم استاد این بود که به دلیل تفکرات ناب فلسفی اش ، علاقه وافری به ابن سینا داشت.چند باری که از ایشان پرسیدم که آیا شما در مقام خلسه یا خواب، ابن سینا را مشاهده فرمودید؟ گفتند: دوبار ابن سینا را در خواب دیدم و معضلات فلسفه را با او در میان گذاشتم .از جمله درباره معاد جسمانی که آیا منکرید؟ یا می‌فرمایید با برهان عقلی آن را نمی‌شود اثبات کرد؟ و همان گونه که در شفا آوردید که رسول صادق هم آن را تأیید کرد، می‌پذیرید؟ ابن سینا جواب داد: من مخالف معاد جسمانی نیستم و بر اساس شریعت آن را می‌پذیرم. جالب این بود که مرحوم مصطفوی می‌گویند که در خواب‌شان لباس ابن سینا سراسر سفید بود تا به جایگاهی رسید که ابن سینا گفت باید اینجا را ترک کنم و به آسمان ها عروج کرد در حالی که در هاله‌ای از نور بود. این بیانی بود که من از آیت‌الله مصطفوی شنیدم. اینکه نسبت یک فیلسوف با یک متفکر و فیلسوف می‌تواند بر مشی و اخلاق و دلدادگی درون او تأثیر گذار باشد. در عین حال این دلدادگی این گونه هم نبود که ایشان بخواهد نقصان‌ها و اشکالات فلسفه ابن سینا را بیان نکند، اما منصفانه بود، یعنی جایی که خلل داشت آنها را متذکر می‌شد. ویژگی سوم این بود که برای تربیت شاگردان فلسفه می‌گفت، نه برای فخر فروشی. روش استاد این بود که شاگردان را تربیت کند و در این کار بنیان‌های اخلاقی آیت‌الله بسیار عیان و آشکار بود. حمایت، تشویق، توجه و تنبه دادن و دلسوزی کردن نسبت به شاگرد از جمله خصایص بارز ایشان بود.او فیلسوفی بود که اهل غلو و خساست در فیض بخشیدن فلسفه به دیگران نبود.ویژگی دیگر این بود که بر متون مسلط بود. دیدگاهش کاملاً علمی و دانشگاهی بود و می‌گفت کسی که متن را نمی‌تواند به درستی بخواند یعنی عمق کافی در سنت فلسفه اسلامی ندارد.

تحلیلی بر تولید محتوای ایرج طهماسب

یک «مهمونی» با تم واقعیت‌های جامعه

یادداشت

دکتر سیده الهام باقری
مدرس، پژوهشگر و نویسنده

«کلاه قرمزی» -چه در سریال، چه در فیلم- یک برنامه کودکانه بود. «مهمونی» اما برای تمام قشرها، طبقات و شخصیت‌های جامعه ساخته شده است. این سریال، مخاطب عام دارد و کل جامعه را دربر می‌گیرد.

ایرج طهماسب در سریال «مهمونی»، شخصیتی صمیمی‌تر و شوخ‌طبع‌تر یافته است، همچنین کاراکترهایش نیز جز «بچه»، همگی بزرگسال هستند. او در انتخاب میهمان‌های خود، دقت بسیار دارد، تا از میان هنرپیشگان، خوانندگان یا ورزشکاران، کسانی را دعوت کند که مردم با آن‌ها خاطره خوب دارند و از آنان در دوره‌های مختلف تأثیر مثبت گرفته‌اند. میهمانانی همه‌پسند، از گروه سنی جوان تا سالمند، اما جنس میهمانی او متفاوت است. طهماسب میهمانان خود را در یک آزمون قرار می‌دهد. می‌پرسد، تا آنان خواهی نخواهی با صداقت پاسخ دهند.

■ آموزش خلاقانه چیزهای دم‌دستی

طیف گسترده مجموعه عروسک‌های «مهمونی»، از سن و جنس و انسان و جانوران و حتی روح از جذابیت‌های این مجموعه است. خرق عادت‌های طهماسب در انتخاب نام عروسک‌ها، از قدیم معروف بوده است. از کلاه قرمزی و پسرخاله گرفته تا فامیل دور، عزیزم ببخشید، دیبی و جیگر که در این سریال به شاباش، دی.جی، کته، قیمه و خوشگل بابا و مانند آن رسیده و همگی از خلاقیت‌های اوست. افزون بر نام‌گذاری متفاوت به‌منظور آشنایی‌زدایی، مهم‌ترین قصد طهماسب آموزش چیزهای دم‌دستی است که دیگر کمتر به آن‌ها توجه می‌شود. این آموزش‌ها در خلال گفت‌وگوی او با میهمان برنامه و عروسک‌ها و بازیگران، خودنمایی می‌کند. گفت‌وگوها و فضاسازی‌ها همگی در خدمت همان آموزش‌های ساده است.

■ آشنایی‌زدایی و تغییر ذائقه

طهماسب قصد دارد با آشنایی‌زدایی، تغییر نگرش ایجاد کند. شاهد مثال آن هم همسایگی وی با تالار عروسی است که در قسمت‌های آغازین سریال، اسباب زحمت بوده، اما کم‌کم به دل طهماسب می‌نشیند، از شادی مردم تالار خوشحال و از به‌هم خوردن برخی عروسی‌ها اندوهگین می‌شود. حتی برخی خدمه تالار در همنشینی با او، درد دل می‌کنند و به او خدمت می‌رسانند.

آشنایی‌زدایی دیگر، حضور شخصیت‌های جانوری شگفت‌آور پشه و مگس (خوشگل بابا) است که برخلاف ویژگی هر حشره موذی، ازقضا بسیار دوست‌داشتنی و مؤدب هستند. تغییر ذائقه عام، نسبت به چیزها یا موجودات به‌ظاهر نفرت‌انگیز، در ادامه مسیر عادت‌زدایی و توجه دادن مخاطب به چیزهایی است که پیش از این کمتر به آن‌ها توجه داشتند. روایت تغییر حال پشه با نیش زدن و تأثیر حال و هوای نیش‌خورده در او، رنگ دیگری را از افزایش گروه سنی مخاطبان این برنامه می‌نمایاند.

در «مهمونی» طهماسب همه‌چیز را به بازی می‌گیرد، حتی روح و ترس مردم را از روح! تا فضایی شاد و کمیک بسازد که افزون بر آگاهی‌بخشی، حال خوش و خنده را میهمان مخاطب کند.

■ شیوه درست رفتار با اقشار جامعه

اینکه شیوه رفتار مخاطب با شخصیت‌های ملموس جامعه چگونه باید باشد، از رسالت‌های دیگر سریال «مهمونی» است. از «بچه»، کودک کار و گلفروش خیابانی گرفته تا «قیمه»، پیرزن آشپز و مهربان و دلسوز، یا «کته»، دختر جوان و رؤیایی و جویای شوهر و «شاباش»، پسری که مانند دیگر پسرهای این دوره حاضر به ازدواج نیست و از زیر بار آن در می‌رود، همگی شخصیت‌های آشنای جامعه امروزی است.

روشن است که تأمل در شخصیت‌ها و دوباره مرور کردن رویدادهای تکراری دور و برمان، می‌تواند افزون بر ایجاد تغییر نگرش، بر آگاهی‌ها و مهارت ارتباطی مخاطب بیفزاید.

جدا کردن انسان‌ها از ترس‌هایشان، مثل به طنز گرفتن روح، رشد ارتباط مؤثر میان نسل‌ها، در شیوه برخورد طهماسب با قیمه (نماینده سالمندان) و جمله‌های مهربانانه میان شخصیت‌ها، همکاری شخصیت‌ها برای تربیت «بچه»، نگرانی آنان درقبال معضل‌های پیش‌آمده برای همدیگر و تلاش برای رفع مشکلات دیگران، همچنین آگاهی دادن درباره برابری جنسیتی، همه و همه اسباب رشد سلامت روان فرد و جامعه را فراهم می‌کند.

نگاهی به مجموعه شعر «به تصحیح خون» سروده آنا رضایی

شیارِ رکیک زخم بر پوستِ کشیده بر نفت

نگاه

لیلا کردبچه
شاعر

پس از «اسفندیاری در چشم چپ» که سال ۱۳۹۶ توسط نشر «هشت» منتشر و پس از آن در جایزه شعر شاملو تقدیر شد، اینک پس از پنج سال، دومین مجموعه شعر آنا رضایی را در دست داریم؛ «به تصحیح خون»، مجموعه‌ای در ۱۰۰ صفحه که به‌تازگی و بر همان سیاقِ هر فصل یک مجموعه شعرِ نشر نگاه، توسط این انتشارات منتشر و عرضه شده است. «به تصحیح خون» را می‌شود از چند زاویه گوناگون نگریست و از هر زاویه، ساعت‌ها درباره آن نوشت، که یکی از آن‌ها، بومی‌گرایی خاص و سبک‌مندِ این مجموعه است.

مرسوم است که برای نشان دادنِ بومی‌گرایی در آثار یک مؤلف، نخست به‌طور مختصر بر نام‌های خاص (افراد و مکان‌ها و حرفه‌ها و گیاهان و حیوانات و...) و امثال و حکم و اصطلاحات زبانزد و برخی واژه‌ها که متعلق به یک محدوده جغرافیایی خاص‌اند توجه می‌کنند و پس از آن به‌طور گسترده‌تر بر آداب و رسومِ آن منطقه. امّا معتقدم در مجموعه «به تصحیح خون» با یک رویکرد بومیِ «رفتاری» مواجهیم که اگرچه در اغلب متونِ بومی وجود دارد، اما کمتر مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته و آن، دقت در رفتارهای بومی است. به‌عنوان مثال، در شهرهای بزرگ افراد را به نام و نام خانوادگی می‌شناسند، درحالی‌که در مناطقی که همه به طریقی با هم خویشاوند و آشنا هستند، آدم‌ها را به نام پدر و مادرشان یا ویژگی‌های بارزشان می‌شناسند و آنجا اگر مثلاً بگویید «بهمن محمدی» ممکن است کسی او را نشناسد، اما اگر مثل شاعر بگویید «بهمن فرزند مالگرد را به یاد می‌آورید؟/ بهمن فرزند خدابس که ساعت سیکو پنج/ و بوی کرفس کوهی را دوست داشت» همه دقیقاً می‌فهمند دارید درباره چه کسی حرف می‌زنید. و باز از همین رفتارهای بومی‌گرایانه شاعر است:

«پناه بر تخت‌های فنری از شرّ عقرب!»، «شما که با تفنگ بادی/ به شیشه‌های شربت سرفه شلیک می‌کردید.../ شما که جوانی پشت برج را/ با چشم‌های میشی‌تان دیده‌اید»، «خرماپزان رنگ چشم‌هایتان را کشته است»،»... خدابس!/ خدای گیس‌ها و دست‌های حنابسته!/ سرسلسله آوارگان در خاک اجدادی!/ صاحب کرامت فراموشی و فراموشی!»، «سلام بر خانه‌های شرجی‌زده شناور در بوی گاز و لجن!» و... که به‌طور ویژه بر رفتارهای متعلق به حوزه جغرافیایی خاصی تکیه دارد.

و شاید حتی بتوانیم در مواردی شیوه انتقال پیام به مخاطب را نیز برمبنای رفتارهای بومی توجیه کنیم، با این شرط که قبول داشته باشیم که ساخت و پرداختِ گونه بیانی جملات قصار، ریشه در رفتارهای قاطعانه بومی دارد، آنجا که درمورد موضوعی حرفِ آخر را می‌زنند و پس از آن، یک «والسلام» مستتر می‌گذارند. به این شیوه، برخی عنوانِ «حکم‌اندازی» داده‌اند؛ یعنی شاعر درباره موضوعی، یک حکم کلی صادر می‌کند و با لحنی قاطع و کوبنده، مخاطب را مجاب به پذیرش آن می‌کند و در مجموعه «به تصحیح خون» بیش از آنکه بتوانیم از یک مجموعه‌شعر توقع داشته باشیم، با چنین جملات قصار و عباراتی حکیمانه که حکمی کلی و در ظاهر ـ و با توجه به فحوای کلی شعر ـ غیرقابل رد کردن مواجهیم: «هرچیز تاوانی دارد/ و تاوان خیره شدن به گردباد/ فراموشی است»، «هرچیز آدابی دارد/ و آداب زندگی/ راه رفتن در تاریکی است» و می‌بینیم که اغلب از ساختارهای نحوی مشابهی تبعیت می‌کنند، همان‌طورکه ساختار نحوی کلمات قصار و جملات حکیمانه، درمجموع چند الگوی مشخص را تکرار می‌کنند.

هنرمندان در فضای مجازی

این روزها در صفحات شخصی اهالی فرهنگ و هنر بیش از هر زمان دیگری مطالبی درباره کارهای تازه‌شان به چشم می‌خورد؛ تولیداتی هنری که هم فیلم‌های تازه اکران شده در سینماهای کشور و هم تازه‌های حوزه کتاب و همچنین آلبوم‌ها، تئاترهایی که به روی صحنه رفته‌اند و همین‌طور گالری‌های برپا شده در حوزه هنرهای تجسمی را شامل می‌شوند.

■ زادروز نویسنده و مترجمی توانا

ششم شهریور ماه زادروز غلامرضا امامی، مترجم و نویسنده پیشکسوت در عرصه ادبیات داستانی است. این نویسنده، مترجم، پژوهشگر و سرویراستار متولد ۱۳۲۵ اراک است. از وی تا به امروز بیش از هفتاد عنوان کتاب روانه کتاب‌فروشی‌ها شده که در بین آنها می‌توان به ترجمه‌هایی از آثار شاخص ادبیات داستانی جهان اشاره کرد. امامی بیش از همه در زمینه ترجمه ادبیات ایتالیایی فعالیت دارد. افزون بر این از غلامرضا امامی نوشته‌های متعددی هم درباره مسائل اجتماعی، فرهنگی و ادبی در نشریات کشورمان و هم رسانه‌های دیگر کشورهای جهان منتشر شده است. او بیش از ۱۰ عنوان کتاب هم از فارسی به ایتالیایی ترجمه کرده و از جهت آشنایی علاقه‌مندان ایتالیایی با داشته‌های ادبی ایران نیز گام‌های ارزشمندی برداشته است.

■ چهره‌ها

عبدالحکیم بهار، مروج کتابخوانی سیستان و بلوچستانی که به لطف سال‌ها تلاش جدی برای ترویج مطالعه حالا به چهره‌ای کشوری تبدیل شده و البته نام وی در بین نامزدهای جوایز مطرح خارجی هم دیده می‌شود پست تازه‌ای درباره فعالیت اعضای کتابخانه روستای رمین، محل سکونت و زادگاه خود منتشر کرده است. این تصویر متعلق به جمعی از کودکان و نوجوانان است که روز گذشته در کتابخانه کنار هم جمع شده‌اند و مربی کتابخانه در حال آموزش به آنان است. او در تصویر دیگری که آن را استوری کرده درباره برخی فعالیت‌های درسی که در کتابخانه رمین انجام می‌شود هم نوشته است.

تهمورس پورناظری نوازنده و آهنگساز، پوستری از کنسرتی با عنوان «افسانه» را استوری کرده، این کنسرت حاصل همکاری سهراب پورناظری با سحر بروجردی است که علاقه‌مندان برای کسب اطلاعات بیشتر می‌توانند سری به صفحه این هنرمند بزنند.

هوتن شکیبا، بازیگر سینما و تئاتر هم بخشی از تیزر فیلم سینمایی «ابلق» را با دنبال‌کنندگان صفحه خود به اشتراک گذاشته است. او این پست را به بهانه کسب رکورد جالب توجهی که فیلم ابلق در فروش به جای گذاشته منتشر کرده و نوشته: «۱۷ هزار و ۵۰۰ نفر در ۱۰ روز به تماشای ابلق نشستند.» بنا بر توضیحات منتشر شده در صفحه این هنرمند سینما، ابلق تازه‌ترین ساخته نرگس آبیار تاکنون شش میلیارد تومان فروش داشته است. ابلق برنده سیمرغ بلورین بهترین فیلم سینمایی از نگاه تماشاگران، در سی و نهمین جشنواره فیلم فجر است، فیلمی که با کاندیدا شدن در ۱۰ رشته در نهایت چهار سیمرغ را از آن خود کرد.

علی‌محمد مؤدب، نویسنده و شاعر هم یک استوری که اشاره به شعری از سروده‌های وی دارد بازنشر کرده، شعری با این مضمون: «شرمنده آب بود که بر خاک مانده بود/ سقا که از وظیفه خود دست برنداشت»، این نویسنده و شاعر در استوری دیگری حدیثی از حضرت علی(ع) را بازنشر کرده: «از ستم پروردگارتان نترسید! بلکه از ستم خود بر خویشتن بترسید.» منبع این حدیث نیز «غررالحکم» عنوان شده است.

آزاده صمدی بازیگر سینما و تئاتر، پوستری از نمایش «رئالیسم مصنوعی» را منتشر کرده، نمایشی که پیش‌فروش آن از روز گذشته آغاز شده و سمانه زارعی نویسندگی این کار و ایمان اسکندری هم کارگردانی آن را بر عهده داشته‌اند. اسماعیل گرجی، سمانه زارعی، شبنم دادخواه، محمد برهمنی، امیراحمد قزوینی و آزاده صمدی بازیگران این نمایش هستند. علاقه‌مندان می‌توانند از چهاردهم شهریور ماه جاری برای تماشای این نمایش ساعت ۲۱ به تماشاخانه ایرانشهر، سالن استاد سمندریان مراجعه کنند.

■ دیگه چه خبر

گالری هنری «آرتیبیشن» نکاتی درباره یکی از آثار نقاشی که با بهره‌مندی از گواش و به روی مقوا خلق شده را در پست تازه‌ای درج کرده است. این اثر نقاشی که تصویر آن هم منتشر شده کاری از «سیراک ملکونیان»است. در بخشی از توضیحات مرتبط با این اثر آمده:«تنوع رنگی در آثار سیراک ملکونیان کم است ولی انتزاع بصری در اوج. نقش سطوحی با طیف‌های مختلفی از رنگ قهوه‌ای علاوه‌بر توجه ملکونیان به فرم و هندسه، شاید زمین و کویر را در ذهن مخاطب یادآور شود اما این ارجاع تنها از نگاه مخاطب است و او هرگز در پی هیچ ارجاع مشخصی نبوده است. این هنرمند هرگز در پی رویکردهای معمول نبوده و با تسلطش بر خط و رنگ جهانی منسجم و گویا را پیش روی مخاطب می‌گذارد.»

کتابخانه و موزه ملی ملک با همکاری نشر تاریخ ایران، نمایشگاهی از اسناد تاریخی تجارتخانه اتحادیه را برپا می‌کند، افتتاحیه این نمایشگاه همراه با سخنرانی برخی چهره‌های سرشناس در حوزه تاریخ و همچنین رونمایی از کتاب «نقش تجار در توسعه شهر تهران»، اثری تازه از منصوره اتحادیه را شامل می‌شود. از جمله سخنرانان این مراسم هم می‌توان به نویسنده این کتاب، اسکندر مختاری و محمدرضا حائری اشاره کرد. این مراسم پنجشنبه دهم شهریور ماه جاری، ساعت ۱۰ صبح به میزبانی کتابخانه و موزه ملی ملک برگزار می‌شود.

عکس نوشت

سریال تلویزیونی «پریدخت» به کارگردانی سامان مقدم و با بازی لیلا حاتمی و علی مصفا از دیروز دوشنبه ۷ شهریور ساعت ۲۱:۳۰ روی آنتن شبکه دو سیما رفت. این مجموعه نخستین بار محرم ۸۶ از شبکه دو سیما پخش شد.داستان سریال از سال ۱۳۱۴ و در جریان واقعه مسجد گوهرشاد شروع می‌شود، در مقطعی از سال ۱۳۲۰ جریان پیدا می‌کند و تا سال ۱۳۳۴ ادامه می‌یابد.
داریوش ارجمند، عباس امیری و شاهرخ استخری، حسن پورشیرازی، سیدمهرداد ضیایی، صالح میرزاآقایی، عباس امیری، مهوش صبرکن و... از دیگر بازیگران این سریال هستند. پریدخت به قلم احمد رفیع‌زاده و تهیه‌کنندگی رامین عباسی‌زاده تهیه شده است. آریا عظیمی‌نژاد آهنگساز و خواننده تیتراژ این سریال سالار عقیلی است.